

مدرسه عیار
Ayar School



فصل ۱۹



بیکاری و نرخ طبیعی آن

تابستان ۱۴۰۲

نیروی کار و آمار آن

۱

انواع بیکاری

۲

دلایل بیکاری ساختاری

۳

جمع‌بندی و خلاصه‌ی مباحث

۴

در این درس با این پرسش‌ها مواجهیم:

۱ بیکاری چگونه اندازه‌گیری می‌شود؟

۲ منظور از نرخ طبیعی بیکاری چیست؟

۳ چرا همواره عده‌ای بیکارند؟

۴ بیکاری چگونه تحت تاثیر اتحادیه‌ها و قوانین حداقل دستمزد قرار می‌گیرد؟

۵ نظریه‌ی دستمزد کارایی چیست و چگونه بیکاری را توضیح می‌دهد؟

نیروی کار و آمار آن



طرح آمارگیری نیروی کار در ایران به صورت فصلی توسط مرکز آمار ایران انجام می‌شود که بر اساس پرسش‌نامه‌های جمع‌آوری شده از ۶۰,۶۰۰ خانوار و همچنین محدود به جمعیت افراد ۱۵ ساله و بیشتر (بزرگسال) است.

- مرکز آمار جمعیت را به سه دسته‌ی اصلی تقسیم می‌کند:
 - **شاغل:** مزد و حقوق‌بگیران، خوداشتغالان و کارکنان فامیلی بدون مزد
 - **بیکار:** افرادی که کار نمی‌کنند و در چهار هفته‌ی منتهی به تکمیل پرسش‌نامه در جست‌وجوی شغل بوده‌اند
 - **خارج از نیروی کار:** افراد زیر ۱۵ سال و همچنین افراد ۱۵ ساله و بیشتری که در هیچ‌یک از دو گروه شاغلان و بیکاران قرار نمی‌گیرند

- نیروی کار (جمعیت فعال اقتصادی):

$$\text{نیروی کار} = \text{جمعیت شاغل} + \text{جمعیت بیکار}$$

- نرخ بیکاری:

درصدی از نیروی کار که فاقد شغل است.

$$\text{نرخ بیکاری} = 100 \times \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{نیروی کار}}$$

- نرخ مشارکت نیروی کار:

درصدی از افراد بزرگسال که جزء نیروی کار است.

$$\text{نرخ مشارکت نیروی کار} = 100 \times \frac{\text{نیروی کار}}{\text{جمعیت بزرگسال}}$$

بر اساس اطلاعات زیر، جمعیت نیروی کار، نرخ بیکاری، جمعیت بزرگسال و نرخ مشارکت نیروی کار را محاسبه کنید.

جمعیت افراد بزرگسال بر اساس گروه، سال ۱۴۰۱	
۲۳,۷ میلیون	افراد شاغل
۲,۳ میلیون	افراد بیکار
۳۷,۷ میلیون	افراد خارج از نیروی کار

$$\text{میلیون ۲۶,۰} = ۲۳,۷ + ۲,۳ = \text{جمعیت بیکاران} + \text{جمعیت شاغلان} = \text{نیروی کار}$$

$$\text{نرخ بیکاری} = ۱۰۰ \times \frac{\text{جمعیت بیکاران}}{\text{جمعیت نیروی کار}} = ۱۰۰ \times \frac{۲,۳}{۲۶,۰} = ۸,۸\%$$

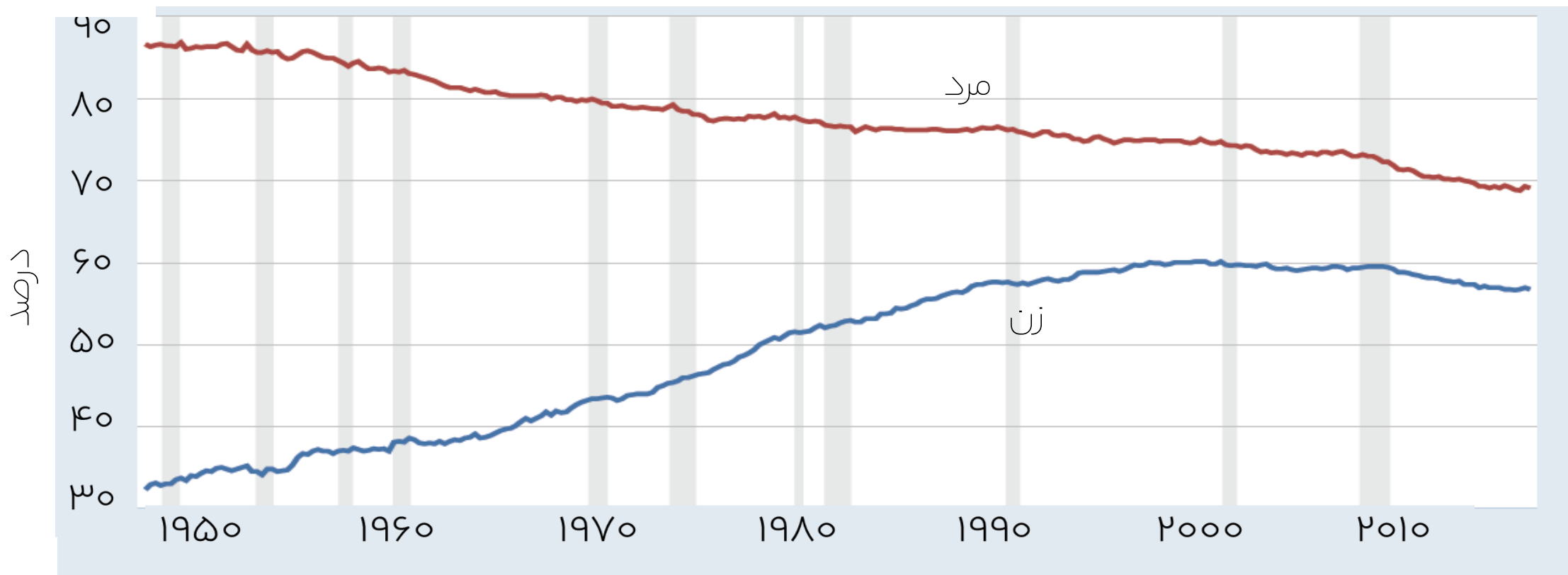
$$\text{میلیون ۶۳,۷} = ۲۶,۰ + ۳۷,۷ = \text{جمعیت خارج از نیروی کار} + \text{نیروی کار} = \text{جمعیت بزرگسالان}$$

$$\text{نرخ مشارکت نیروی کار} = ۱۰۰ \times \frac{\text{نیروی کار}}{\text{جمعیت بزرگسالان}} = ۱۰۰ \times \frac{۲۶,۰}{۶۳,۷} = ۴۰,۸\%$$

بزرگسالان (۱۵ ساله و بیشتر)، زمستان ۱۴۰۱

نرخ مشارکت اقتصادی	نرخ بیکاری	
۶۶٫۹٪	۸٫۸٪	نقاط شهری، مردان
۱۳٫۵٪	۱۷٫۷٪	نقاط شهری، زنان
۷۰٫۹٪	۷٫۸٪	نقاط روستایی، مردان
۱۲٫۴٪	۸٫۵٪	نقاط روستایی، زنان

نرخ مشارکت اقتصادی	نرخ بیکاری	
۸,۸٪	۲۱٪	۱۵-۱۹ سال، نقاط شهری
۱۱,۸٪	۱۳,۷٪	۱۵-۱۹ سال، نقاط روستایی
۳۶,۹٪	۲۸٪	۲۰-۲۴ سال، نقاط شهری
۴۴,۴٪	۲۰,۱٪	۲۰-۲۴ سال، نقاط روستایی
۴۰,۲٪	۱۰,۳٪	تمام سنین، نقاط شهری
۴۱,۵٪	۷,۹٪	تمام سنین، نقاط روستایی



در هر یک از موارد زیر، نرخ بیکاری چه تغییری می‌کند؟ آیا نرخ بیکاری تصور دقیقی از آنچه در بازار کار اتفاق افتاده است ارائه می‌کند؟

(الف) زهرا شغل خود را از دست داده و جست‌وجوی شغل جدید را آغاز کرده است.

(ب) احمد که کارگر کارخانه‌ی فولاد بود و سال گذشته شغل خود را از دست داده بود، اخیراً دلسرد شده و از جست‌وجوی کار دست کشیده است.

(ج) اشکان که تنها نان‌آور خانواده‌ی پنج نفره‌ی خود است، شغل محقق علمی با درآمد ماهانه ۲۰ میلیون تومان را از دست داده است. او بلافاصله به صورت پاره‌وقت به عنوان راننده‌ی یک شرکت تاکسی اینترنتی مشغول به کار شده است تا زمانی که بتواند شغل مرتبط با رشته‌ی خود پیدا کند.

الف) زهرا شغل خود را از دست داده و جست‌وجوی شغل جدید را آغاز کرده است.

نرخ بیکاری افزایش می‌یابد.

افزایش نرخ بیکاری این تصور را ایجاد می‌کند که وضع بازار کار در حال بدتر شدن است، که واقعا نیز همینطور است.

ب) احمد که کارگر کارخانه‌ی فولاد بود و سال گذشته شغل خود را از دست داده بود، اخیراً دلسرد شده و از جست‌وجوی کار دست کشیده است.

کارگران دلسرد دوست دارند کار کنند اما از جست‌وجوی کار منصرف شده‌اند؛ بنابراین آنها بیکار نیستند و به‌عنوان جمعیت خارج از نیروی کار شمرده می‌شوند.
نرخ بیکاری کاهش می‌یابد، چرا که احمد دیگر بیکار شمرده نمی‌شود.
کاهش نرخ بیکاری این تصور را ایجاد می‌کند که بازار کار در حال بهتر شدن است، ولی واقعاً این چنین نیست.

ج) اشکان که تنها نان‌آور خانواده‌ی پنج نفره‌ی خود است، شغل محقق علمی با درآمد ماهانه ۲۰ میلیون تومان را از دست داده است. او بلافاصله به صورت پاره‌وقت به عنوان راننده‌ی یک شرکت تاکسی اینترنتی مشغول به کار شده است تا زمانی که بتواند شغل مرتبط با رشته‌ی خود پیدا کند.

نرخ بیکاری بدون تغییر می‌ماند چرا که هم اشخاص دارای کار تمام‌وقت و هم اشخاص دارای کار پاره‌وقت شاغل محسوب می‌شوند.

اوضاع بازار کار بدتر شده، اما نرخ بیکاری در نمایش آن ناتوان است.

• نرخ بیکاری به دلایل زیر شاخص ایدئالی از نداشتن شغل یا سلامت بازار کار نیست:

- کارگران دلسرد را لحاظ نمی‌کند.
 - بین شغل تمام‌وقت و پاره‌وقت، یا کسی که به دلیل در دسترس نبودن شغل تمام‌وقت به طور پاره‌وقت مشغول است، تفاوتی قائل نمی‌شود.
 - برخی از افراد وضعیت شغلی خود را غلط گزارش می‌کنند.
- با وجود این موارد، هنوز یک سنجی مناسب از بازار کار و اقتصاد است.

- بیشتر دوره‌های بیکاری مشاهده شده بلندمدت است.
عده‌ی اندک افراد بیکار در بلندمدت جابجایی شغلی کمی دارند، بنابراین بیشتر بیکاری مشاهده شده در طول زمان را به خود اختصاص می‌دهند.
- دانستن این موضوع به سیاست‌گذاران کمک می‌کند سیاست‌های بهتری جهت کمک به بیکاران طراحی کنند.

انواع بیکاری



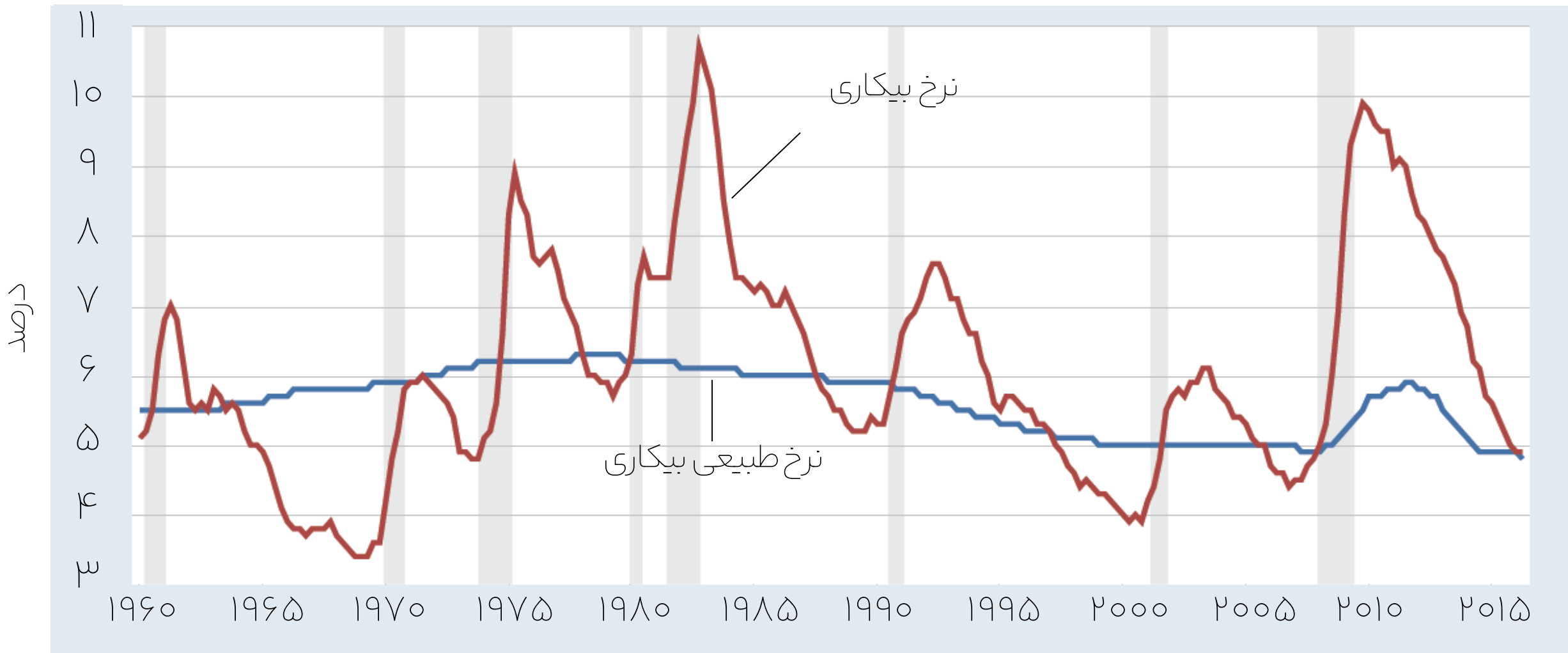
همواره عده‌ای از افراد بیکارند، اما نرخ بیکاری سال به سال در نوسان است.

- نرخ طبیعی بیکاری

نرخ معمول بیکاری که نرخ واقعی بیکاری حول آن در نوسان است.

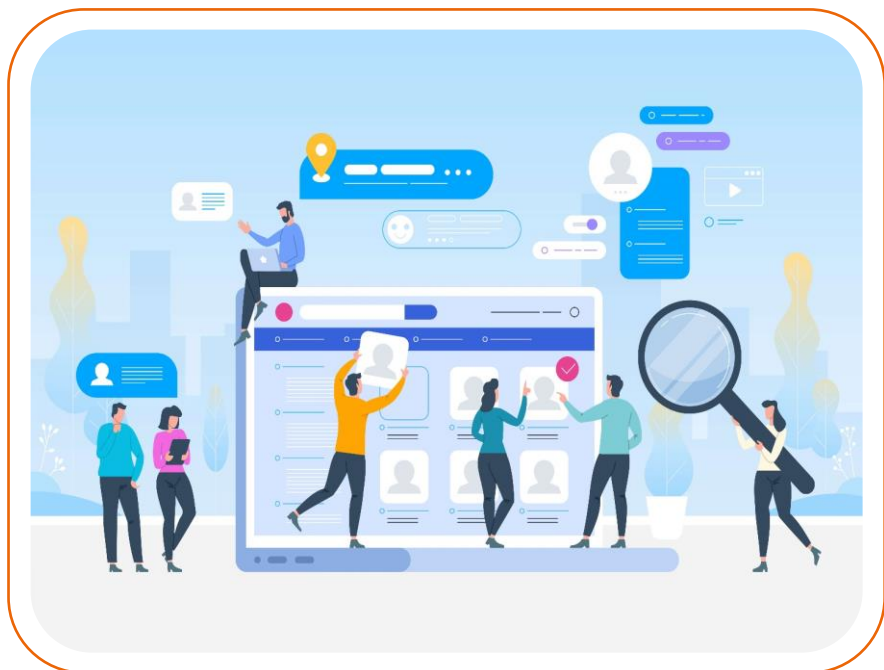
- بیکاری ادواری (چرخه‌ای)

انحراف بیکاری از نرخ طبیعی آن که با چرخه‌های تجاری مرتبط است.



حتی زمانی که اقتصاد خوب پیش می‌رود، همواره میزانی بیکاری وجود دارد که شامل موارد زیر است:

- بیکاری اصطکاکی (مقطعی)
 - زمانی اتفاق می‌افتد که نیروی کار وقت خود را صرف جست‌وجوی شغلی می‌کنند که به بهترین وجه با مهارت‌ها و سلیق آنها مطابقت دارد و برای اغلب افراد کوتاه‌مدت است.
- بیکاری ساختاری
 - زمانی اتفاق می‌افتد که تعداد مشاغل کمتر از نیروی کار باشد و معمولاً بلندمدت‌تر است.



• جست‌وجوی شغل

- فرایند تطبیق کار مطلوب و متناسب با مهارت و سلیقه‌ی کارگران

• انتقال بخشی

- تغییر در ترکیب تقاضا بین صنایع یا مناطق مختلف
- جابه‌جا کردن برخی کارگران؛ آنها باید به جست‌وجوی شغل متناسب با سلیقه و مهارت‌های خود بروند.



• بنگاه‌های کاریابی دولتی

برای تسهیل در تطبیق کارگران و مشاغل، دولت موقعیت‌های شغلی خالی را منتشر می‌کند.

• برنامه‌های آموزشی دولتی

هدف این نوع آموزش مجهز کردن کارگران خارج‌شده از صنایع رو به زوال به مهارت‌های مورد نیاز در صنایع رو به رشد است.

دلایل بیکاری ساختاری

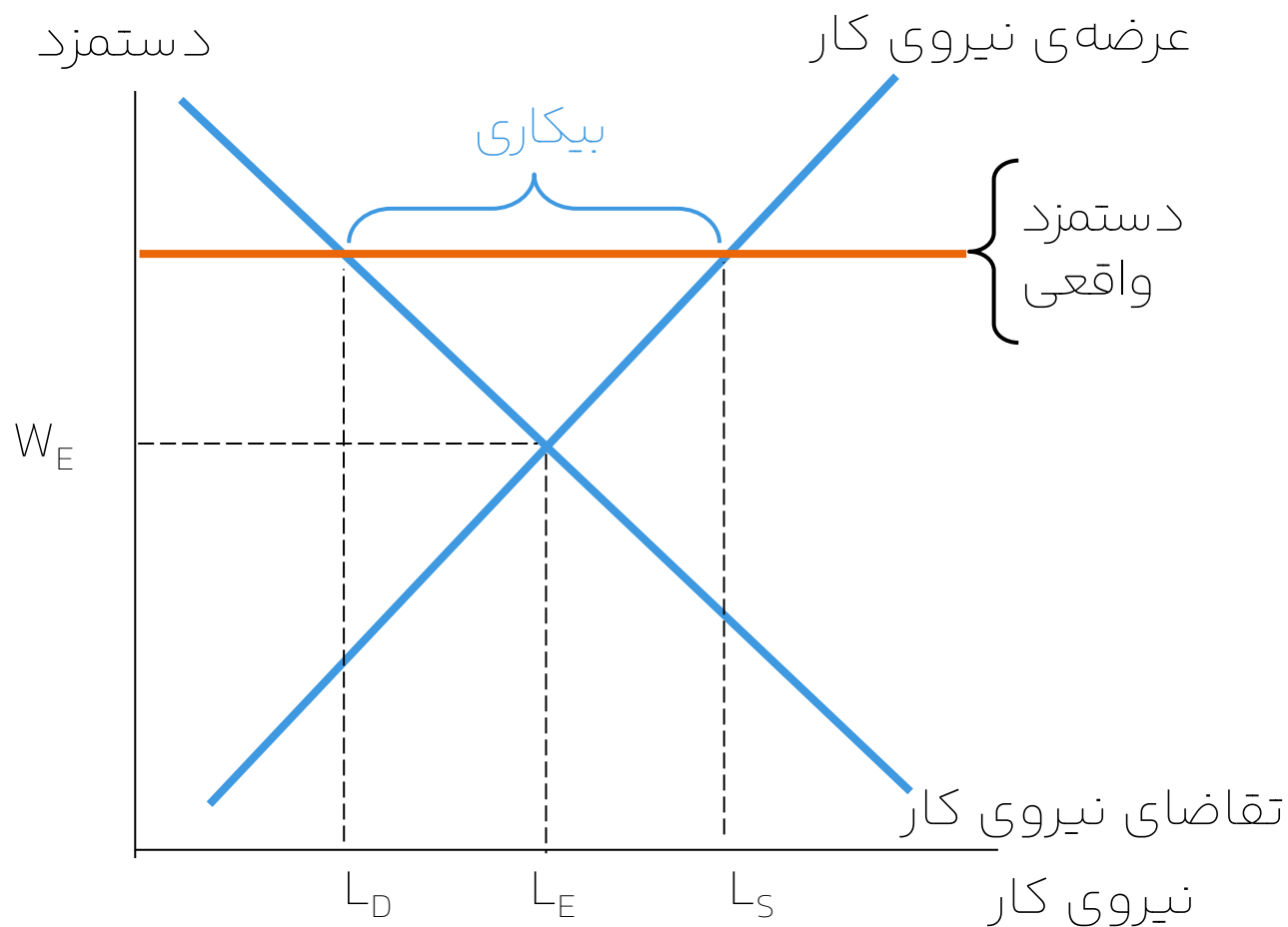


- یک برنامه‌ی حمایتی دولتی است که تا حدی از درآمد کارگران در زمان بیکاری آنها محافظت می‌کند.
- بیکاری اصطکاک‌ی را افزایش می‌دهد.
مردم به انگیزه‌ها واکنش نشان می‌دهند.
وقتی کارگری صاحب شغل می‌شود، دولت بیمه‌ی بیکاری او را قطع می‌کند. در نتیجه، کارگران تا زمانی که واجد شرایط دریافت این بیمه‌اند، انگیزه‌ی کمتری برای جست‌وجو یا انتخاب شغل دارند.



مزیت‌های بیمه‌ی بیکاری

- کاهش نااطمینانی در مورد درآمد
- زمان بیشتری را برای جست‌وجو در اختیار بیکاران قرار می‌دهد و در نتیجه تطابق شغلی بهتر و بهره‌وری بالاتر به همراه دارد.



بیکاری ساختاری زمانی اتفاق می‌افتد که مشاغل کافی وجود نداشته باشد.

زمانی رخ می‌دهد که دستمزدها بالاتر از دستمزد تعادلی بماند.

سه دلیل برای این رخداد وجود دارد: ۱. حداقل دستمزد ۲. اتحادیه‌های کارگری ۳. نظریه‌ی دستمزد کارایی



قانون حداقل دستمزد

- حداقل دستمزد ممکن است از دستمزد تعادلی برای کارگران کم‌مهارت یا کم‌تجربه فراتر رود و باعث بیکاری ساختاری شود. اما این گروه بخش اندکی از نیروی کار را شامل می‌شود، بنابراین حداقل دستمزد نمی‌تواند همه‌ی انواع بیکاری را توضیح دهد.

اتحادیه‌های کارگری و چانه‌زنی جمعی

- اتحادیه‌های کارگری با کارفرمایان بر سر دستمزد، مزایا و شرایط بهتر قرارداد چانه‌زنی می‌کنند.
- قدرت بازار خود را به منظور مذاکره برای دستمزدهای بالاتر برای کارگران به کار می‌برند.
- درآمد کارگران تحت پوشش اتحادیه در مقایسه با سایر کارگران هم‌رده که عضو اتحادیه نیستند ۱۰ تا ۲۰ درصد بالاتر و مزایای آنها بیشتر است.

اتحادیه‌های کارگری و چانه‌زنی جمعی

- اتحادیه‌ها دستمزد را به سطحی بالاتر از سطح تعادلی می‌برند.
 - میزان تقاضای نیروی کار کاهش می‌یابد که نتیجه‌ی آن بیکاری است.
 - **داخلی‌ها:** کارگرانی که همچنان در مشاغل خود باقی می‌مانند، وضعیت بهتری دارند.
 - **خارجی‌ها:** کارگرانی که شغل خود را از دست می‌دهند، وضعیت بدتری دارند.
- برخی از خارجی‌ها به سمت بازارهای کار که تحت پوشش اتحادیه نیستند می‌روند که باعث افزایش عرضه‌ی نیروی کار و کاهش دستمزدها در آن بازارها می‌شوند.

آیا وجود اتحادیه‌ها به نفع اقتصاد است یا به ضرر آن؟

- اقتصاددانان اتفاق نظر ندارند.

منتقدان

- اتحادیه‌ها نوعی کارتل هستند.
- آنها دستمزدها را بالاتر از حد تعادلی می‌برند که باعث بیکاری و یا کاهش دستمزدها در بازارهای خارج پوشش اتحادیه می‌شوند.

مدافعان

- اتحادیه‌ها با قدرت بازار شرکت‌های بزرگ مقابله می‌کنند.
- باعث افزایش پاسخ‌گویی بنگاه‌ها به دغدغه‌های کارگران می‌شوند.

نظریه‌ی دستمزد کارایی

- بنگاه‌ها به طور داوطلبانه دستمزدهای بالاتر از حد تعادلی برای افزایش بهره‌وری کارگران پرداخت می‌کنند.
- نسخه‌های مختلف تئوری دستمزد کارایی دلایل متفاوتی برای پرداخت این دستمزدهای بالاتر ارائه می‌کنند.

چهار دلیل برای اینکه بنگاه‌ها ممکن
است دستمزد بالاتری بپردازند

۱. سلامتی کارگران

- در کشورهای کمتر توسعه یافته، تغذیه نامناسب یک مشکل رایج است.
- پرداخت دستمزدهای بالاتر به کارگران این امکان را می‌دهد تا غذای بهتر و مغذی‌تری بخورند، که آنها را سالم‌تر و پربازده‌تر می‌کند.



۲. ورود و خروج کارگران

استخدام و آموزش کارگران جدید پرهزینه است.

پرداخت دستمزدهای بالا به کارگران انگیزه‌ی بیشتری برای ماندن می‌دهد و نرخ ورود و خروج آنها را کاهش می‌دهد.

۳. کیفیت کارگران

دستمزدهای بالاتر متقاضیان بهتر و مناسب‌تری جذب می‌کند و کیفیت نیروی کار بنگاه را افزایش می‌دهد.

۴. کوشش کارگران

- کارگران می‌توانند سخت کار کنند یا کم‌کاری کنند.
- آنها که کم‌کاری می‌کنند اخراج می‌شوند.

آیا اخراج شدن بازدارنده‌ی خوبی است؟

- به آسان یا سخت بودن پیدا کردن یک شغل دیگر بستگی دارد.
- اگر دستمزد بازار بالاتر از دستمزد تعادلی باشد، موقعیت‌های شغلی کافی وجود ندارد. بنابراین کارگران انگیزه‌ی بیشتری برای کار دارند و از انجام مسئولیت‌های خود شانه خالی نمی‌کنند.

جمع‌بندی و خلاصه‌ی مباحث



- نرخ بیکاری درصد افرادی است که مایل به کار کردن هستند اما شغلی ندارند.
- بیکاری و مشارکت نیروی کار در گروه‌های جمعیتی بسیار متفاوت است.
- نرخ طبیعی بیکاری نرخ معمولی است که نرخ واقعی بیکاری حول آن در نوسان است.
- بیکاری ادواری انحراف بیکاری از نرخ طبیعی آن است و به نوسانات اقتصادی کوتاه‌مدت ارتباط دارد.

- نرخ بیکاری طبیعی شامل بیکاری اصطکاکی و بیکاری ساختاری است.
- بیکاری اصطکاکی زمانی رخ می‌دهد که نیروی کار وقت خود را صرف جست‌وجوی شغلی می‌کنند که به بهترین وجه با مهارت‌ها و سلیقه آنها مطابقت دارد.
- بیکاری ساختاری زمانی رخ می‌دهد که دستمزدهای بالاتر از حد تعادلی به مازاد نیروی کار منجر شود.
- سه دلیل برای دستمزدهای بالاتر از حد تعادل شامل قوانین حداقل دستمزد، اتحادیه‌ها و دستمزدهای کارآیی است.

ممنون از
توجه شما



مدرسه عیار
AyarSchool